

دعا در کلام و نگاه علی (ع)

شهین قهرمان ایزدی*

چکیده:

یکی از مباحث زیبایی که در همه ادیان مورد بحث قرار گرفته است، دعا است.

دعا، عاملی است در جهت ساختن انسان و نزدیکی او با خداوند. دعا، اگر چه در همه ادیان مورد بحث قرار گرفته است، اما لطافت، جاذبه و زیبایی، و همه جانبه بودن آن در مکتب تشیع آن هم از زبان امام عارفان، حضرت علی علیه السلام، «آن روح کلی و همه جانبه» آن چنان بدیهی است و پر جاذبه که نیازی به توضیح و تفسیر ندارد. تنها ذکر این نکته ضروری است که بررسی و تدبیر در نهج البلاغه می تواند ما را به این مطلب رهنمون شود که آنچه در نهج البلاغه وجود دارد، به تعبیری همان است که در قرآن کریم و روایات وجود دارد و این یعنی ارتباط نزدیک حضرت با منبع وحی الهی.

مقدمه

گرچه دعا از مباحث زیبایی است که از دیرباز مورد توجه پیروان همه ادیان قرار گرفته است، اما دعای شیعه با همه آنچه در ادیان دیگر مورد نظر است، تفاوت اساسی دارد. اهمیت دعای شیعه به آن است که مجموعه ای است از تضداد.

دعا در شیعه، نشانگر چهرهٔ ذلیل یک فرد عاصی نیست که مطرود همه باشد و در هیچ کجای جامعه جایی نداشته باشد و دعاکننده شیعه فرد گناهکاری نیست که مورد نشان همه قرار گرفته و مغضوب همه خلائق باشد. بلکه در شیعه، ائمه و در رأس آنان مولای متقیان حضرت علی بن ابیطالب است که عاشقانه، با راز و نیاز خویش با خداوند بهترین بهترین منابع دعائی را برای پیروان خویش به وجود می آورند و به اختلاف عظیم آنچه در شیعه و بقیهٔ ادیان در زمینهٔ دعا وجود دارد، گواهی می دهند.

بنابراین اهمیت دعا در کلام حضرت علی (ع)، به خوبی روشن می گردد یعنی دعا در کلام حضرتش، نشانگر همه جانبه بودن سخن اوست، نشانگر آن است که امام علی (ع) تنها در یک میدان قدم نهاده است. و به تعبیری، دعا در نهج البلاغه، نشانگر آن است که روح علی وسیع و همه جانبه و چند بعدی است و همواره به این خصلت ستایش شده است، او زمامداری است عادل، عابدی است شب زنده دار، در محراب عبادت گریان و در میدان نبرد خندان است.^۱

با این نگاه وقتی وارد نهج البلاغه می شویم در می یابیم که در کنار مسائل مربوط به جنگ، تحریکها و تهدیدها برای رفتن مردم به جنگ، شکوه از سست رأیان و بهانه گیران، حمله شدید به یاران خویش به دلیل نرفتن به جنگ تا آنجا که آرزوی معامله یاران خود در برابر یاران معاویه می نماید و می فرماید:

لوددت و الله ان المعاوية صارفني بكم صرف الدينار بالدرهم، فأخذ مني عشرة منكم و اعطاني رجلا منهم^۲، در کنار مطالب خطبهٔ ششقیه که به بررسی مسائل پس از رحلت رسول گرامی اسلام می پردازد و ناراحتی خویش را از زمامداران بعد از رسول گرامی، بیان می نماید و می فرماید

۱. محمد عبده، نهج البلاغه، مقدمه، بیروت، لبنان، موسسه اعلمی للمطبوعات ص ۲۰

۲. گروهی از نویسندگان، نهج البلاغه المعجم المفهرس لالفاظه، بیروت، لبنان، دارالتعارف للمطبوعات، ص ۹۹، خ

صبرت و فی العین قذی و فی الحلق شجی^۱، در کنار مطالبی چون سخن در زمان دفن زهرای مرضیه^۲، وقتی به دعا می‌پردازد، منابع عظیمی از دعا را برای پیروان خویش رقم می‌زند. قبل از ورود به بحث لازم است به کوتاهی به معانی دعا اشارت کنیم:

معانی دعا

در کتابهای لغت دعا به معانی مختلفی آمده است:

- ۱- به معنی استغاثه^۳
- ۲- میل و رغبت به سوی خداوند^۴
- ۳- طلب و سوال^۵
- ۴- درخواست حاجت از خدا، درخواست حاجت از خدا برای خود یا دیگری^۶
- ۵- نیایش^۷

۱. نهج البلاغه - خ ۳

۲. سانبشک ابنتک بتضافر ائمتک علی هضمها، منبع قبل ص ۲۳۴، کلام ۲۰۲

۳. در تهذیب اللغة از قول فراء در ذیل آیه و ادعوا شهدائکم من دون الله ان کتتم صادقین آورده است و ادعوا شهدائکم من دون الله يقول الهتکم يقول الهتکم يقول استغثوا بهم و هو کقولک للرجل اذالقیست العدو خالیاً فادع المسلمین و معناه استغثت بالمسلمین.

۴. ابوالفضل جمال الدین محمد بن مکرم بن منظور لسان العرب دار احیاء التراث العربی، تاریخ نشر ۱۴۰۵، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۳۵۹، ابوالقاسم الحسین بن محمد المعروف بالراغب الاصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ۱۴۰۴ هـ، دفتر نشر کتاب، صص ۱۶۹ و ۱۷۰.

۵. لسان العرب، ابن منظور، منبع قبل. المفردات فی غریب القرآن، ۱۴۰۴ هـ، دفتر نشر کتاب صص ۱۶۹ و ۱۷۰.

۶. الدعاء - الرغبة الی الله تعالی فیما عنده من الخیر و الابتهاج الیه بالسؤال و منه قوله تعالی ادعوا ربکم تضرعاً و خفیة. السید محمد مرتضی الحسین الواسطی الریبیدی و الخنقی - تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، لبنان، منشورات دارالمکتبه الحیة، جلد ۱۰، ص ۱۲۷ و ۱۲۶

۷. راغب در مفردات.

۸. الجوهری، صحاح اللغة، ایران، ۱۲۷۰ هجری، جلد ۶، ص ۲۳۳۷. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، چاپ خانه مجلس، ۱۳۳۶.

معانی بالا با معنای اصطلاحی دعا، ارتباط و پیوندی نزدیک دارد و شاید بتوان گفت که معانی فوق به نحوی قابل انطباق با معنای اصطلاحی دعا است، چون دعا در حقیقت همان طلب و درخواست سوال بنده از خداوند است، دعا، راز و نیاز خالصانه و عاشقانه موجودی نیازمند در برابر وجودی بی نیاز است و به تعبیری دعا همان نیایش است.

قسمت‌هایی از کلام حضرت علی (ع) تحت عناوین زیر مورد بررسی قرار گرفته است:

۱- آداب دعا

۲- فوائد دعا

۳- شرایط اجابت و دلایل عدم اجابت دعا

۴- لزوم استمرار در دعا

۵- درخواستها و دعاهاى حضرت علی (ع)

۱- آداب دعا

بررسی آداب دعا، نیازمند بحث تفصیلی است. در این مقاله به بعضی از آداب دعا در کلام امام علی (ع) اشاره می‌کنیم.

الف) وقت و مکان دعا

اولین مطلبی که در آداب دعا از روایات به دست می‌آید، آن است که فرد در اوقات شریفی مثل روز عرفه، ماه رمضان، روز جمعه و وقت سحر دعا کند^۱ غالب منابع در مورد دعا به هنگام سحر به آیه ۱۷ سؤال آل عمران «و بالاسحارهم یستغفرون» نیز استناد کرده اند.

حضرت علی (ع) نیز از شب و سحرگاه به عنوان زمانی که دعا در آن اجابت می‌شود، یاد کرده اند، ایشان در نهج البلاغه می‌فرمایند:

یانوف ان داود علیه السلام قام فی مثل هذه الساعة من اللیل فقال: انها ساعة لا یدعوا فیها عبد

الا استجیب له الا^۲

۱. غزالی، ابو حامد محمد بن محمد، احیاء العلوم الدین، بیروت، لبنان، دارالکتب العلمیه، ج ۱، ص ۲۶۵.

۲. نهج البلاغه، همان منبع، ص ۳۶۷، حکمت ۱۰۴.

امام صادق (ع) از قول حضرت علی (ع)، زمان قرائت قرآن و اذان گفتن را نیز از مواقع خوب برای دعا ذکر می کنند:

عن ابی عبدالله (ع) قال: قال امیرالمومنین علیه السلام: اغتتموا الدعاء عند اربع، عند قراءة القرآن و عند الاذان و عند نزول الغیث، و عند التقاء الصفین للشهادة^۱

حضرت صادق (ع) فرمود: امیرالمؤمنین (ع) فرموده است، دعا را در چهار جا غنیمت شمارید، هنگام قرائت قرآن، هنگام گفتن اذان و هنگام آمدن باران و هنگام برخورد کردن دو صف (مومنین و کفار) برای قتال.

ب) حسن ظن به خداوند

حسن ظن به خداوند در اجابت دعا از لوازم دیگر دعا است که حضرت علی (ع) به آن اشاره کرده اند: فلا یقتنک ابطاء اجابته فان العطیة علی قدر النیة^۲

پس کلید گنج های خود را در دو دست تو نهاده که به تو رخصت سؤال از خود را داده تا هرگاه خواستی درهای نعمت او را با دعا گشایی، و باریدن باران رحمتش را طلب کنی، پس دیر پذیرفتن او تو را نومید نکند که بخشش بسته به مقدار نیت بود.^۳

ج) خشوع، اصرار، گریه و اظهار پشیمانی بر گناه به هنگام دعا

در این مورد نیز علی (ع) می فرماید: کاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
و حملوا ثقل اوزارهم فضعفود عن الاستقلال بها فنشجوا نشیجا و تحاوبوا نحیسا، یعجن الی ربهم من مقاوم ندم و اعتراف لرأیت اعلام هدی و مصابیح دجی^۴

۱. ثقة الاسلام کلینی، اصول کافی، ترجمه و شرح سید هاشم رسولی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ج ۴، ص ۲۲۷.

۲. نهج البلاغه، نامه ۳۱، ص ۵۶۷.

۳. نهج البلاغه، ترجمه دکتر شهیدی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴، چاپ هشتم، ص ۳۰۲.

۴. محمد عبده، نهج البلاغه، کلام ۲۲۲، ص ۴۹۶.

بار سنگین گناهان خویش را بر پشت نهادند و در برداشتن آن به ناتوانی در افتادند، گریه شان شکسته در گلو، با ناله پراسان و پاسخگو به پروردگار خود فریاد بر می‌دارند، پشیمانند و به گناه خود اعتراف دارند.^۱

ذبل الشفاه من الدعاء صفر الالوان من السهر، علی وجوههم غبرة الخ اشعین^۲
 دعاهای بسیار لب‌های شان را خشک و شب زنده داری چهره‌های شان را دگرگون کرده بود
 و غبار خشوع بر چهره‌های شان نشسته بود.^۳

۲- فواید دعا

قسمتی از کلام امیر مؤمنان علی (ع) در رابطه با فواید و خصوصیات دعا است:

۱-۲- دعا باعث آمرزش گناهان می‌شود.

یتسمنون بدعائه روح التجاوز^۴
 با مناجات با خداوند نسیم عفو و بخشش را استشمام می‌کنند.

۲-۲- دعا دور کننده امواج بلاست

ادفعوا امواج البلاء بالدعاء^۵

موج‌های بلا را با دعا (از خود) دور سازید.
 بالدعاء يستدفع البلاء.^۶ با دعا بلا دفع می‌گردد

۱. نهج البلاغه، ترجمه دکتر شهیدی، ص ۲۵۶.

۲. محمد عبده، نهج البلاغه، خطبه ۱۲۱، ص ۲۸۸.

۳. محمد جعفر امامی و محمد رضا آشتیانی، ترجمه گویا و شرح فشرده ای بر نهج البلاغه، قم، موسسه مطبوعاتی هدف، چاپ هفتم، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۷۵.

۴. منبع قبل، نهج البلاغه، ص ۲۵۲، کلام ۲۲۲.

۵. نهج البلاغه، حکمت ۱۴۶- سوسوا ایمانکم بالصدقه و حصنوا اموالکم بالزکاة و ادفعوا امواج البلاء بالدعاء

۶. آیه الله عبد الواحد آمدی، غرر الحکم و درر الکلم ترجمه محمد علی الانصاری و الاقمی چاپ هفتم ۱۳۳۵ ش

۳-۲- دعا کلید پیروزی و رشته‌های رستگاری است.

«الدعاء مفاتيح الجناح و مقاليد النجاح»^۱

دعا کلیدهای پیروزی و رشته‌های رستگاری است.

۴-۲- در مناجات با خداوند نجات است.

«فی المناجاة سبب النجاة»^۲

در مناجات با خدا نجات است.

۵-۲- دعا سپر مومن است.

الدعاء ترس المومن ان تکثر قرع الباب یفتح لک^۳

دعا سپر مومن است، زمانی که درگاه او را زیاد بکوبی برایت گشوده می‌شود.

۶-۲- با دعا بلاها برگردانده می‌شود.

بالدعاء تصرف البلیة^۴ با دعا بلاها برگردانده می‌شود.

عن علی (ع) قال: قال رسول الله (ص)، ان الدعاء یرد البلاء و قد ابرم ابراما^۵

۷-۲- دعا اسلحه اولیاء خداوند است.

الدعاء سلاح الاولیاء^۶

دعا اسلحه اولیا خداست

سلاح المومن الدعاء^۷ اسلحه مومن دعا است.

۱. مستدرک نهج البلاغه ۱۸۱-۱۶۸.

۲. مستدرک نهج البلاغه ۱۶۹-۱۸۱.

۳. مستدرک نهج البلاغه ۱۸۱- به نقل از جلوه‌های حکمت، ناظم زاده، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم. کلینی، اصول کافی، ج ۴، ص ۲۱۳ الدعاء ترس المومن و متى تکثر قرع الباب یفتح لک: دعا سپر مومن است و هر گاه بسیار دری را کوبیدی به روی تو باز می‌شود.

۴. مستدرک نهج البلاغه ۱۸۶

۵. محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، موسسه الوفاء، بیروت، لبنان، ۱۴۰۳ هـ، ۱۹۸۳م، ج ۹۱ ص ۵۰

۶. غرر الحکم و دررالکلم ۸۲۸/۲۸/۱

۷. غرر الحکم و دررالکلم ۱۰/۴۳۲/۱

۳- مطالبی در شرایط اجابت دعا از نظر علی (ع)

۳-۱- ارتباط دعا با اجابت

الف - «من اعطی الدعاء لم یحرم الاجابه^۱»

حضرت علی (ع) می‌فرمایند: کسی که توفیق چهار چیز پیدا کند، در چهار چیز محروم نخواهد شد: از جمله کسی که توفیق دعا بیابد از اجابت آن محروم نمی‌شود.

ب - این مطلب را در جای دیگر با کمی تفاوت بیان می‌کنند و آن اجازه خداوند به انسان برای دعا کردن است.

به این صورت که: «ما کان الله لیفتح علی عبد باب الشکر و یغلق عنه باب الزیاده و لا لیفتح علی عبد باب الدعاء و یغلق عنه باب الاجابه^۲».

چنین نیست که خدای بر بنده در شکر گزاری بگشاید اما در افزودن نعمتی بر بندد و همچنین امکان ندارد که باب دعا را بر کسی بگشاید و در اجابت را بر رویش بندد.^۳ مورد زیر نیز به همین مطلب اشاره دارد.

ج - «و اعلم ان الذی بیده خزائن السموات و الارض قد اذن لك فی الدعاء و تکفل الاجابة و امرک ان تساله لیعطیک^۴»

و بدان، که خداوندی که خزاین آسمانها و زمین به دست اوست، تو را رخصت دعا داده و خود اجابت آن را بر عهده گرفته است و از تو خواسته که از او بخواهی تا عطایت کند و از او آمرزش طلبی تا پیامرزدت.^۵

د - در جای دیگر می‌فرمایند: من قرع باب الله سبحانه فتح له^۱ هر کس در (رحمت) خدا را بگوید خداوند در رحمتش را به رویش بگشاید.

۱. نهج البلاغه ص ۳۷۳ - حکمت ۱۳۵.

۲. نهج البلاغه ص ۴۱۶، وصیت ۴۳۵.

۳. منبع فوق ج ۳ ص ۳۷۷، محمد جعفر امامی و محمد رضا آشتیانی - ترجمه گویا و شرح فشرده بر نهج البلاغه.

۴. نهج البلاغه ص ۹۲۳، وصیت ۳۱.

۵. عبدالحمید آیتی ترجمه نهج البلاغه ج ۲ - ص ۳۰۰ نیز اویس کریم محمد، المعجم الموضوعی لنهج البلاغه، مشهد، بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی ص ۱۸۶.

ه - «ان الله سمیع دعوة المضطهدین»^۲.

به راستی که خداوند شنوای دعای ستمدیدگان است.

و- در کلام ۲۲۲ نیز به این مطلب اشاره دارند، آنجا که می‌فرمایند:

لكل باب رغبة الى الله منهم يد قارعه، يسألون من لا تضيق لديه المناوح، ولا يخيب عليه الراغبون.

به هر دری که امیدواری به خدا در آن وجود دارد دستی برای کوبیدن از سوی آنان دراز است، از کسی درخواست می‌کنند که سختی و تنگی برایش معنی ندارد و امیدواران را محروم نمی‌کند.

در آیات «ادعونی استجب لكم»^۳ و «اذا سألك عبادی عنی فانی قریب احیب دعوة الداع اذا دعان»^۴ به مطلب فوق تصریح نموده است که: خداوند در خواست کسانی که حاجتی دارند را اجابت می‌نماید.

۳-۲- مقرون شدن دعا با صلوات.

از شرایط دیگری که برای اجابت دعا آمده، همراه کردن دعا با صلوات است که روایت نیز بر این مطلب تأیید دارد. در روایت آمده است که اگر فرد دعا کننده دعا را بین دو صلوات بر رسول اکرم (ص) قرار دهد آن دعا اجابت می‌شود.^۵ حضرت علی (ع) در این رابطه می‌فرمایند:

اذا كانت لك الى الله سبحانه حاجة فابدأ بمسألة الصلاة على رسوله (ص) ثم سل حاجتك فان الله اكرم من ان يسأل حاجتين فيقضى احدهما و يمنع الاخرى^۱.

۱. غرر الحكم و درر الحكم ۶۳۶/۶۴۷/۲

۲. نهج البلاغه، ص ۲۲ نامه ۵۳.

۳. سوره غافر آیه ۶۰.

۴. سوره بقره آیه ۱۸۶.

۵. در فوائد الطريقة فی شرح صحیفه الشریف محمد باقر مجلسی آمده است که: اعلم ان من شرائط الاستجابة الدعاء بعد الحمد و الثناء و الصلوة على محمد و آله. در اصول کافی ج ۲- فقد روى فى الاخبار الكثير عن الصادقين عليهم السلام «انه لا يزال الدعاء محجوبا حتى يصلی على محمد و آله»

هر گاه نیازی به درگاه حق داری با صلوات بر پیامبر (ص) شروع کن، سپس حاجت را بخواه، زیرا خداوند کریم تر از آن است که از دو حاجت یکی را قبول، و دیگری را رد کند.^۱
در دو مورد بالا، حضرت علی (ع) همراه شدن دعا را با صلوات راهی برای اجابت دعا ذکر کرده اند.

۳-۳- ارتباط عمل با عدم اجابت دعا.

حضرت به بعضی از دلایل عدم اجابت دعا نیز در نهج البلاغه تصریح کرده اند:

الف - ترک امر به معروف و نهی از منکر

لا تترکوا الامر بالمعروف و النهی عن المنکر فیولی علیکم اشرارکم ثم تدعون فلا یتستجاب

لکم^۲

امر به معروف و نهی از منکر را رها نکنید که (اگر رها کنید) بدکرداران تان بر شما مسلط

می شوند، پس از آن دعا می کنید روا نشود.

ب- گناه و عدم اجابت دعا

لا تستنبط اجابة دعائك و قد سددت طریقہ بالذنوب^۳

توقع اجابت دعا را نداشته باش و حال آنکه با گناهات راه اجابت را بسته ای.

ج - رابطه برخی از مشاغل با عدم اجابت دعا

افرادی که مردم را به ستمکاران معرفی می نمایند و اسرارشان را نزد آنها فاش می کنند،

کسانی که نوازنده ساز و ... دعای شان به اجابت نمی رسد.

یا نوف ان داوود علیه السلام ... انها ساعته لایدعوا فیها عبد الا استجیب له الا ان یکون عشارا

او عریفا او شرطیا او صاحب عرطبه (و هی الطنبور) او صاحب کوبه هی الطبل^۴

۱. نهج البلاغه، ص ۴۰۵، حکمت ۳۶۱.

۲. محمد جعفر امامی و محمد رضا آشتیانی، ترجمه گویا و شرح فشرده بر نهج البلاغه، قم، موسسه مطبوعاتی هدف، ۱۳۶۷، ج ۳، ص ۴۷. در جای دیگر نیز حضرت می فرمایند: کل دعاء محبوب عن السماء حتی یصلی علی محمد و آله، محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، موسسه الوفاء، بیروت، لبنان، ۱۴۰۳ هـ - ۱۹۸۳ م. ج ۹۱، ص ۵۰.

۳. نهج البلاغه، ص ۴۰۵، حکمت ۳۶۱.

۴. غرر الحکم و درر الحکم ۱۷۸/۸۱۳/۲.

این ساعتی است که دعا و درخواست نمی‌کند در آن بنده ای مگر آنکه روا گردد، مگر کسی که ده یک بگیرد یا کسی که مردم را به ستمکاران بشناساند و اسرارشان را نزد آنها فاش نماید یا گزمه و همکاران داروغه یا نوازنده ساز، نقاره چی و دهل زن باشد زیرا گناه ایشان مانع است از این که درخواست شان روا گردد.^۲

۴- لزوم استمرار در دعا

قسمتی از کلام امیرالمومنین علی (ع) در نهج البلاغه مربوط به افرادی است که در مواقعی خاص به دعا و راز و نیاز روی می‌آورند. در قرآن صریحا از این افراد شکایت می‌نماید که چرا در موقع خوشی و رفاه خداوند را فراموش می‌کنند و به هنگام گرفتاری‌ها و مشکلات، به خداوند روی می‌آورند.

حضرت علی (ع) نیز در نهج البلاغه، این مطلب را تذکر داده اند که انسان باید در همه احوال با خداوند در ارتباط باشد و راز و نیاز داشته باشد و از کسانی که در موقع گرفتاری‌ها به خداوند روی می‌آورند و پس از رفع آن، ناله‌ها و راز و نیازهای خویش را فراموش می‌کنند، شکایت نموده و می‌فرمایند:

«ان سقم ظل نادما و ان صح أمن لاهیا یعجب بنفسه اذا عوفی و یقنط اذا ابتلی ان اصابه بلاء دعا مضطرا و ان ناله رخاء اعوض معترا تغلبه نفسه علی ما یظن و لا یغلبها علی ما یتقین»^۳

۱. نهج البلاغه، ص ۳۶۷، حکمت ۱۰۴.

۲. منابع لغت: محمد عبده، شرح نهج البلاغه، ص ۶۴۸، محمد علی شرقی، قاموس نهج البلاغه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج ۳، ص ۳۳۶. و ج ۲، ص ۴۵۵ و محمدبن ابی بکر عبدالقادر رازی، مختار الصحاح، تصحیح محمد حلاق، دارالحیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، ۱۴۱۹ هـ.

العشار من یتولی اخذ اعشار المال و هو المکاس. العریف من یتجسس علی احوال الناس و اسرارهم فیکشفهم لامیرهم مثلا. العریف، النقیب و هودون الرئیس.

الشرطی. بضم فسکون، نسبت الی شرطه، شرح محمد عبده، ص ۶۴۸.

۳. نهج البلاغه، ص ۳۷۶، نامه ۱۵۰.

اگر بیمار شود پشیمان می‌گردد و اگر تندرست باشد احساس امنیت می‌کند و به لپه می‌پردازد، به هنگام سلامت مغرور است و به هنگام گرفتاری ناامید. اگر بلایی به او برسد همچون بیچارگان دعا می‌کند و اگر آسایش و وسعت به او برسد همچون مغروران از خدای روی می‌گرداند. نفس، او را در امور دنیا به انجام آنچه گمان دارد وادار می‌کند ولی در امور آخرت به آنچه یقین دارد اعتنا نمی‌کند.^۱

که این فراز از کلام علی (ع) در واقع بیانی از آیات زیر است.

۱- «و اذامس الانسان الضر دعانا لجنبه او قاعدا او قائما فلما كشفنا عنه ضره مرکان لم يدعنا

الی ضر مسه كذلك زين للمسرفين ما كانوا يعملون»^۲

۲- قل من ينجيكم من ظلمت البر و البحر تدعونه تضرعا و خفيه لئن انجينا من هذه لنكونن

من الشاكرين - قل الله ينجيكم منها و من كل كرب ثم انتم تشركون»^۳

در آیه اول خداوند از افرادی که در وقت بلا و سختی به خداوند روی می‌آورند و دست به

دعا بر می‌دارند و پس از رفع مشکل، خداوند را فراموش می‌کنند مورد انتقاد قرار داده است.

در آیه دوم جمله لئن انجينا من هذه لنكونن من الشاكرين، اشاره است به این که انسان در

چنین حالتی که دارد خدای را برای رفع گرفتاری‌های خود می‌خواند، این وعده را هم می‌دهد که اگر نجاتش داد، او را شکرگزاری نموده دیگر پیرامون کفران نعمتش نگردد.^۴

با نگاهی به سخنان حضرت علی (ع) و دقت در آیات فوق مشخص می‌شود که در هر دو

این سخنان، انتقادی وجود دارد نسبت به افرادی که صرفاً در موقع گرفتاری‌ها به سوی خداوند

روی می‌آورند، دعا می‌کنند و وعده می‌دهند که پس از رفع گرفتاری چنین و چنان خواهند کرد،

اما پس از رفع مشکل خداوند و وعده‌های خویش را فراموش کرده و دچار غرور می‌شوند.

۱. ترجمه گویا و شرح فشرده بر نهج البلاغه، ج ۳، ص ۲۷۱.

۲. سوره یونس آیه ۱۲

۳. سوره الانعام آیه ۶۳.

۴. محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، تهران، کانون انتشارات محمدی، ج ۱۳، ص ۲۱۱.

«و قال عليه السلام: ما التبلى الذى قد اشدت به البلاء با حوج الى الدعا من المعاصى الذى لا يا من البلاء»^۱.

گرفتاری که اندوه و درد به او سخت گرفته است نیازمند تر به دعا نیست از تندرستی که از بلا و درد در امان نمی‌باشد (بلکه هر دو به دعا و درخواست از خدا نیازمندند، او برای بهبودی یافتن و این برای تداوم تندرستی).

۴-دعاهای حضرت علی (ع) در نهج البلاغه

بی شک حضرت علی (ع) یکی از نیایشگران بی نظیر اسلام است که منابع عظیمی از دعا را با نیایش خویش برای ما به وجود آورده است. امام عارفان در صحنه دعا نیز چون میدان جنگ، تکاور بیان را بجولان آورده است و آنچنان مفاهیمی عرفانی به جای گذاشته است که عارفی بزرگ چون حضرت امام خمینی (ره) در وصف جمله: «فهنی یا الهی و سیدی و مولایی و ربی صبرت علی عذابک فکیف اصبر علی فراقک»^۲ می‌فرمایند: «من کوردل تاکنون نتوانستم این فقره و بعض فقرات دیگر این دعای شریف را به جد بخوانم، بلکه آن را از زبان علی (ع) می‌خوانم و ندانم آن چیست که صبر بر آن از عذاب خدا در جهنم مشکل تر است»^۳.

برای انسان جالب است که بداند حضرت (ع) با همه گرفتاری‌های دوران زندگی با همه مشکلات بعد از رحلت پیامبر (ص)، و با همه مسائلی که در دوران خلافتش با آن رو به رو بود که گاه موجب آن می‌شد که مردم را نفرین کند، از خلوت خویش با خداوند چه می‌خواسته است و از چه سخن می‌گفته است و چه مسائلی برای او از اولویت برخوردار بوده اند.

این نیایش‌ها و درخواست‌های امام بزرگ عارفان است که او را در چشم دشمنانش نیز بسیار بزرگ می‌کند این نیایش‌ها ترسیم گر چهره درونی و عارفانه و خالصانه و عاشقانه امام است.

۱. نهج البلاغه، ص ۳۹۹، حکمت ۳۰۲.

۲. دعای کمیل، شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء ۱۳۶۹.

۳. موسسه تنظیم نشر و آثار امام خمینی قدس سره، ره عشق، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و

ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸، ص ۳۴.

و اما درخواست‌های امام:

الف دعاهایی در حق پیامبر اکرم (ص)

«اللهم افسح له مفسحا في ظلك و اجزه مضاعفات الخير من فضلك و اعل على بناء البانين بنائه و اکرم لديك منزلته و اتمم له نوره و اجزه من ابتغائك له مقبول الشهادة، مرضى المقالة»^۱
 بار خدایا، عرصه وسیعی از سایه بیکرانت را بر آن وجود نازنین بگستران. از خیرات فراوان فضل و احسانت بر او عنایت فرما، آن چنان که شایسته عظمت رسالتی که او در این دنیا تبلیغ نمود، بوده باشد و منزلت و مقام آن سرور کائنات را در دیار ابدیت از همه منزلت‌ها و مقامات بالاتر بفرما و بنائی را که او برای نجات انسان‌ها نهاده است بر همه بناهای بنیان گذاران بلند بدار. نوری که بر آن وجود پاک عنایت فرموده ای تکمیل و اتمام بفرما^۲

در مورد تعبیر «فی ظلك»، برخی گفته اند که ممکن است معنای مجازی و یا معنای حقیقی آن یعنی همان ظل ممدود که در سوره واقعه آمده است، مورد نظر باشد.^۳
 حضرت از خداوند درخواست می کند که:

و اعل علی بناء البانین بناء یعنی منزلت او را در بهشت از بالاترین منازل قرار بده جمله و اتمم له نوره اشاره به آیه ربنا اتمم لنا نورنا^۴ دارد.

در جای دیگر نیز در مورد حضرت رسول اکرم (ص) می فرمایند:

اللهم اقسم له مقسما من عدلك و اجزه مضاعفات الخير من فضلك - اللهم اعل على بناء البانین بناء و اکرم لديك نزله و شرف عندك منزله، و اته الوسيله و اعطه السناء و الفصيلة و احشرونا فی زمرة غير حزايا^۵

۱. نهج البلاغه، ص ۶۰، خطبه ۷۲.

۲. محمد تقی جعری، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸، ج ۱۱، ص ۱۶۵-۱۶۶.

۳. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، به تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، لبنان، دار احیاء تراث العربی، ج ۶، ص ۱۴۲. نیز شرح ابن میثم، ج ۲، ص ۴۳۴ که می گوید: در عبارت امام (ع) لفظ ظل برای وجود عاریه آمده است.

۴. سوره تحریم آیه ۸

۵. نهج البلاغه و معجم المفهرس للافاظ، خ ۱۰۶ ص ۱۰۸.

خداوندا، از عدالت خود برای آن بزرگوار خطی وافر عطا فرما، و پاداشی از خیر فراوان از فضل خود به آن صاحب رسالت عنایت فرما، خداوندا، بنای او را بالاتر از بنای بنا کنندگان قرار بده و او را از بهترین الطاف میزبانی در بارگاہت اکرام بفرما، و مقام و منزلت او را شریف بگردان، وسیله برای او عنایت بفرما و از عظمت و فضیلت برخوردارش بساز.^۱

این دعا و نیایش نورانی که به خوبی صدق و صفای محض دعا کننده را کشف می کند و اتصال روح بزرگ او را با ملکوت، با کمال وضوح اثبات می نماید، و با توجه به حالت دعا و نیایش که جدی ترین حالات روحی یک انسان الهی است، معلوم می شود که هر کلمه ای که دعا کننده ای مثل علی بن ابیطالب علیه السلام در حال دعا بر زبان می آورد، بارقه ای از بوارق تمام موجودیت اوست، نه تخیل را در آن راهی است و نه توهم و اراده طبعی و محض را. بنابراین فرزند ابیطالب آن جدی ترین انسان، بر روی پرده هستی و پشت پرده آن با عظمت ترین ایمان و محبت معقول را به پیامبر عظیم الشأن اسلام داشته است و او آن انسان کامل را در حد اعلی کمال ممکن برای یک انسان الهی به خوبی شناخته و از اعماق قلب او را ستوده است.^۲

ب. دعاهای حضرت علی (ع) در خصوص استغفار

اللهم اغفر لی ما انت اعلم به منی فان عدت فعد علی بالمغفرة، اللهم اغفر لی ما وایت من نفسی و لم تجدلہ و فاء عندی - اللهم اغفر لی ما تقربت به الیک بلسانی ثم خالفه قلبی، اللهم اغفر لی رمزات اللاحاظ، و سقطات الالفاظ و شهوات الجنان و هفوات اللسان.^۳

امام (ع) در تمام فرازهای این دعا از خداوند سبحان طلب مغفرت و آمرزش می کند. مقصود از آمرزش بنده به وسیله خداوند یا این است که حضرت حق در قیامت گناهانش را بپوشاند تا به هلاکت اخروی دچار نشود و یا گناهانش را برای مردم دنیا فاش نکند تا رسوا شود. مغفرت به هر دو معنی، نتیجه اش یک چیز است و آن توفیق دست یافتن به سعادت اخروی و دوری از پیروی

۱. محمد تقی جعفری، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج هجدهم، ص ۲۲۹.

۲. محمد تقی جعفری، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج هیجدهم، ص ۳۰۰.

۳. نهج البلاغه، دعا ۷۸، ص ۶۳.

شیطان بر انجام گناه است، پیش از صدور گناه یا قبل از آن که معصیت برایش به صورت ملکه نفسانی شود.^۱ طلب آمرزش که در این فراز از دعا آمده است در موارد زیر است.

الف - یعنی بخشش گناهایی که خداوند به آنها آگاه تر است.

ب - غفران و آمرزش وعده‌هایی که در پیش خود برای رضای خدا انجام دادن آنها تعهد کرده، اما آنها را انجام نداده است.

ج - آمرزش و غفران خواستن از این که نفس، کارهای خیر مورد رضای خدا را با ریاکاری و خود بینی و غرور در می‌آمیزد و نیت قربت را به قصد غیر خدا تبدیل می‌کند.

د - مغفرت خواستن از گناهایی که با اشاره چشم صورت می‌گیرد.

ه - مغفرت خواهی از شهوات نفسانی.

و - آمرزش خواهی از گناهایی که از لغزش زبان حاصل شده است.

با توجه به موارد بالا، شارحین در رابطه با ارتکاب گناه یا عدم ارتکاب گناه توسط حضرت بحث نموده‌اند و بعضی گفته‌اند مغفرت خواستن آن حضرت بر فرض وقوع است و بعضی عنوان نموده‌اند که این دعا را امام (ع) برای تربیت افراد امت و آموزش دادن چگونگی آمرزش خواهی از گناهان آورده‌اند و یا به منظور تواضع و فروتنی در پیشگاه حق و اقرار به بندگی ذکر کرده‌اند.^۲ بررسی مطالب فوق کار این مقاله نیست و منکران عصمت پیامبر (ص) برای آمرزش خواهی انبیا نیز چنین مطالبی را بیان می‌کنند و قائلین به عصمت هم به پاسخ‌هایی نظیر تعلیم به پیروان استناد کرده‌اند که در اینجا قصد بررسی دقیق آن را نداریم و به این مسأله که ما اعتقاد به عصمت انبیا و ائمه داریم بسنده می‌کنیم.

ج درخواست شهادت یا منزلت و مقام شهداء از خداوند

این درخواست در چند مورد به چشم می‌خورد از جمله:

۱. کمال الدین میثم بن علی بن میثم بحرانی، شرح نهج البلاغه ابن میثم، مترجم قربانعلی محمدی مقدم، مشهد بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۴۶۱ و ۴۶۰.

۲. همان، همان جلد و صفحه.

«وان اظهرتهم علينا، فارزقنا الشهادة و اعصمنا من الفتنه»^۱

و چنانچه آنها را بر ما غلبه دادی شهادت نصیب ما گردان و از شرک و فساد ما را نگاه دار^۲

«نسال الله منازل الشهداء و معايشة السعداء و مرافقة الانبياء»^۳

از خدا می‌خواهیم که درجات شهیدان، و زندگی سعادت مندان، و همنشینی پیامبران را به ما

عنایت کند.^۴

«وان یختم لی ولک بالسعادة و الشهادة»^۵

و از او مسئلت دارم که زندگی من و تو را با سعادت و شهادت پایان بخشد.^۶

د- عدم ستم در موقع پیروزی

وقتی برای رو به رو شدن با مردم شام در صفین مصمم می‌شوند از خداوند درخواست عدم

ستم با دشمنان در موقع پیروزی را می‌نمایند.

ان اظهر تنا علی عدونا فجنبنا البغی و سددنا الحق^۷

اگر بر دشمن پیروز شدیم ستم نکنیم

حضرت در حق کسانی که آماده رفتن به جنگ هستند دعا می‌کنند، از خداوند می‌خواهند

که در صورت پیروزی در میدان نبرد، جنگجویان پیروز را از خطر غرور که باعث انحراف از جاده

حق می‌شود، حفظ بفرمایند.

البته قسمتی از سخنان امام (ع) - در رابطه با نافرمانان از جنگ، بهانه گیران و دین به دنیا

فروشانی است که در دوران کوتاه حکومتش همیشه با آنان رو به رو بوده است و در مواقع مختلف

۱. نهج البلاغه، ص ۱۷۷، خطبه ۱۷۱.

۲. محمد جعفر امامی و محمد رضا آشتیانی، ترجمه گویا و شرح فشرده بر نهج البلاغه، ج دوم، ص ۲۰۹

۳. نهج البلاغه، ص ۲۸، خطبه ۲۳.

۴. ترجمه گویا و شرح فشرده بر نهج البلاغه، ج یک، ص ۹۹

۵. نهج البلاغه، ص ۳۳۵، نامه ۵۳.

۶. ترجمه گویا و شرح فشرده بر نهج البلاغه، ج سوم، ص ۱۶۷.

۷. نهج البلاغه، ص ۱۷۷، خطبه ۱۷۱.

خطر عدم پیروی آنان را گوشزد نموده است و در مواردی نیز آنها را نفرین کرده است (دعا علیه). مفاد خطبه‌های ۲۵، خطبه جهاد (۲۷) و خطبه ۹۷ و ... از جمله آنهاست.

ه درخواست‌های معنوی

از زبان پرهیزکاران عرضه می‌دارد که:

«اللهم لاتواخذنی بما یقولون و اجعلنی افضل مما یظنون و اغفر لی ما لا یعلمون»^۱

بار پروردگارا، ما را در مورد گناهایی که به ما نسبت می‌دهند مواخذه مفرما و نسبت به نیکی‌هایی که در باره ما گمان می‌برند ما را از آن برتر قرار ده و گناهایی را که نمی‌دانند بیامرزد.^۲

«نسال الله سبحانه ان یجعلنا و ایاکم ممن لا تبطره نعمة و لا تقصر به عن طاعة ربه غاية»^۳

از خدا می‌خواهیم که ما و شما را از کسانی قرار دهد که هیچ نعمتی آنها را مست و مغرور نمی‌کند، و هیچ هدفی او را از اطاعت پروردگار باز نمی‌دارد و بعد از فرا رسیدن مرگ پشتیبانی و اندوه در او راه نمی‌یابد.^۴

که درخواست عدم طغیان است در برابر نعمت‌های خداوند..

«اللهم انک انس الانسین لاولیاتک اللهم ان فهت عن مسألتي او عمهت عن طلبتي

فدلنی علی مصالحی فخذ قلبی الی مرشدی و لیس ذلک بکفر من هدیاتک و لا یبدع من کفایاتک، اللهم احملنی علی عفوک و لا تحملنی علی عدلک.»^۵

که سراسر آن دعاست و از مفاهیم بسیار عالی برخوردار است که جای بررسی آن نیست.

«اللهم صن وجهی بالیسار و لا تبذل جاهی بالاقتار فاسترزق طالبی رزقک و استعطف شرار

خلقک و ابتلی بحمد من اعطانی و افتتن بدم من منعی و انت من وراء ذلک کله ولی الاعطاء و المنع»^۶

۱. نهج البلاغه، ص ۲۲۱، خطبه ۱۹۳.

۲. ترجمه گویا و شرح فشرده بر نهج البلاغه، ج دوم، ص ۳۲۹.

۳. نهج البلاغه، ص ۵۴، خطبه ۶۲.

۴. ترجمه گویا و شرح فشرده در نهج البلاغه، ج یک، ص ۱۵۹.

۵. نهج البلاغه، ص ۲۵۷، دعا ۲۲۷.

۶. نهج البلاغه، ص ۲۳۵، دعا ۲۲۵.

پروردگارا، آبرویم را با بی نیازی نگاه دار و شخصیتم را در اثر فقر ساقط مگردان که از روزی خوران تو درخواست روزی کنم و از اشخاص پست خواستار عطف و بخشش باشم و به ستودن آن کس که کمکم می کند مبتلا گردم و به مذمات و بدگویی از آنکه به من نمی بخشد آزمایش شوم، و تو در ماورای همه اینها سرپرست منی که ببخشی یا منع نمایی.^۱

و بی فاقه الیک لایجبر مسکنتها الا فضلک، ولا ینعش من خلتها الا منک وجودک فهب لنا فی هذا المقام رضاک و اغننا عن مد الایدی الی سواک^۲

من به تو نیازی دارم که جز فضل تو نمی تواند آن را جبران کند و این فقر و پریشانی را جز احسان وجود تو نتواند رفع نماید، پس در این مقام، رضای خویشتن را به ما اعطا کن و دست نیاز ما را از دامن غیر خود کوتاه گردان.^۳

و- دعاهای در طلب باران

در خطبه های ۱۱۴ و ۱۴۳ و حکمت ۴۶۲ حضرت طلب باران از خداوند می نمایند.

نتیجه:

دعا خود مبحثی است گسترده و عمیق و دعادر نهج البلاغه نیز از چنین خصوصیتی برخوردار است، ما در این مقاله کوتاه امکان شرح و بررسی دعاهای آن حضرت را نداشتیم که اگر این دعاها شرح شود، دنیایی دیگر بر روی ما، می گشاید. در این رهنمودها و گشایشها حضرت علی (ع) را در همه ابعاد بی نظیر و سرآمد می یابیم او در همه مسائل سخن گفته است و سخنش در هر رساله ای بی نظیر است، همان طور که در جنگ همه موارد لازم را با تفصیل بیان کرده است در مسائل دیگر نیز چنین است و اگر درست بخواهیم بیندیشیم می توانیم دریابیم که در جملاتی کوتاه، مطالبی پر محتوایی بیان کرده اند. به شکلی که در بعضی مواقع درست با آیات قرآن و در بسیاری از موارد با همه روایات تطبیق دارد.

۱. ترجمه گویا و شرح فشرده بر نهج البلاغه، ج دوم، ص ۴۱۵.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۹۱، ص ۹۴.

۳. ترجمه و شرح گویا بر نهج البلاغه، ج اول، ص ۲۴۱.

منابع

- قرآن کریم، دارالفجر الاسلامی، دمشق، بیروت.
- المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، محمد فواد عبدالباقی، قاهره، مطبعه دارالکتب المصریه ۱۳۶۴.
- مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، تهران، مرکز نشر فرهنگي رجاء ۱۳۶۹.
- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، به تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، لبنان، دارالحیاء التراث العربی، ۱۳۸۵ هـ ۱۹۶۵ م.
- ابن میثم بحرانی (کمال الدین میثم بن علی بن میثم بحرانی)، شرح نهج البلاغه، مترجم قربانعلی محمدی مقدم، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵.
- ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، لبنان، دارالحیاء التراث العربی للطباعه و النشر و التوزیع.
- آیتی، عبدالحمید، ترجمه نهج البلاغه، تهران، بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۷۶.
- آیه الله عبد الواحد آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ترجمه و نگارش محمد علی الانصاری القمی، نویسنده حسن هریسی، ۱۳۳۵.
- الجوهري، صحاح اللغة، ایران، ۱۲۷۰ هـ
- الرازی، محمد ابن ابی بکر ابن عبدالقادر، مختار الصحاح، تصحیح محمد حلاق، داراحیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، ۱۴۱۹ هـ / ۱۹۹۹ م.
- الراغب الاصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۴ هـ
- امامی، محمد جعفر، آشتیانی، محمدرضا، ترجمه گویا و شرح فشرده در نهج البلاغه، قم، موسسه مطبوعاتی هدف، ۱۳۶۷.
- المصطفوی الخراسانی، سید جواد، الکاشف عن الفاظ نهج البلاغه فی شروحه، تهران، موسسه دار الکتب الاسلامی، ۱۳۹۵ هـ ق ۱۳۵۳ هـ ش.
- انصاریان، علی، الدلیل علی موضوعات نهج البلاغه، تهران، انتشارات مفید، ۱۳۵۷ ش. الواسطی الرییدی الحنفی، مرتضی الحسینی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، لبنان، منشورات دارالمکتبه الحیاء.

- جعفری، محمد تقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸.
- دشتی، محمد و محمدی، کاظم المعجم المفسهرس لالفاظ نهج البلاغه، موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین، قم، ۱۴۰۶ هـ ق.
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، چاپخانه مجلس، ۱۳۳۶.
- شرقی، محمدعلی، قاموس نهج البلاغه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۳۶
- شهیدی، سید جعفر، ترجمه نهج البلاغه، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۷۴.
- عبد، محمد، نهج البلاغه، بیروت، دارالبلاغه، ۱۴۱۳ هـ ۱۹۹۳ م.
- غزالی، ابو حامد محمد بن محمد، احیاء العلوم الدین، بیروت، لبنان، دارالکتاب العلمیه.
- فیض الاسلام، ترجمه و شرح نهج البلاغه، تهران، مرکز نشر آثار فیض الاسلام، ۱۳۶۵.
- کریم محمد، اویس، المعجم الموضوعی لنهج البلاغه، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ هـ
- کلینی، اصول کافی، ترجمه و شرح سیدهاشم رسولی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی مجلسی، محمدباقر، فوائد الطریقه فی شرح صحیفه الشریف.
- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، موسسه الوفاء، بیروت، لبنان، ۱۴۰۳ هـ / ۱۹۸۳ م.
- طباطبایی، محمدحسین، تفسیرالمیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، تهران، کانون انتشارات محمدی.
- مشکینی، علی، الهادی الی موضوعات نهج البلاغه، تهران، انتشارات چاپخانه وزارت ارشاد اسلامی با همکاری بنیاد نهج البلاغه، اسفند ۶۳.
- مطهری، مرتضی، سیری در نهج البلاغه، قم، انتشارات صدرا.
- موسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی «قدس سره»، ره عشق، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸.
- ناظم زاده قمی، سید اصغر، جلوه‌های حکمت، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.